

# فرایند توسعه سیاسی

## Political Development Process



سیدمحمدتقی موسوی نیا  
کارشناس علوم سیاسی

بدون توجه به اصل چارچوب انتخاب شده که آیا این معیارها و چارچوبها خود در قالب‌های اصلاح طلبی می‌گنجد یا خیر؟

مفهوم اصلاحات (Reforms) بسیار فراتر از یک تعریف و یا جمله‌ای کلیشه‌ای است که توسط برخی اشخاص عنوان می‌شود و همچنین است مسئله اصلاح طلبی که مفهومی نیست که بتوان در چارچوب آن افراد و اشخاص را سنجید. مفاهیم اصلاحات و اصلاح طلبی بسیار فراتر از چارچوب‌های تنگ‌نظرانه بعضی افراد مدعی اصلاح طلبی است. اصلاح طلبان همان گونه که در ارد انحصارگرایی (Exclusivism) و تخطئه دیگران و جامعه تک صدایی کوشش می‌کنند و این تلاش را در صدر وظایف مقدس خود جای داده‌اند، نباید درست به شیوه مخالفان اصلاحات با آنان برخورد نمایند و با همان ابزارهایی که مورد ایراد اصلاح طلبان است به مقابله با مخالفان اصلاحات پردازند.

یکی از مشخصه‌های جامعه مدنی و تکثرگرایی (Pluralism) حق اظهار نظر و سلیقه توسط موافقان و مخالفان یک پدیده سیاسی است که جامعه را از حالت تک صدایی و انحصار طلبی بیرون می‌آورد و زمینه را برای رشد و گسترش ابراز عقاید آزاد آماده می‌سازد.

پروژه اصلاحات در درون خود آفاتی دارد که اصلاح طلبان باید از مبتلا شدن به این آفات پرهیزند. یکی از مشخص‌ترین و بارزترین این آفات بازگشت (Restoration) ناخودآگاه به دوران قبل از اصلاحات است. اصلاحات در بطن جامعه باید به گونه‌ای باشد که تمامی مخالفان اصلاحات را به صورت مسالمت آمیز و قانع شده به سمت اندیشه‌های اصلاحی کشانده و به تعامل با آنان پردازند. نه به گونه‌ای که حتی اگر مخالفی نیز به تجدیدنظر در رویه‌های قبلی خود پرداخت و قدم در راه اصلاح جامعه گذاشت، با بایکوت و تخطئه و برجسب‌های گوناگون، او را در مخالفت با اصلاحات و اصلاح طلبی راسخ تر نمود.

به باور بسیاری از فعالان سیاسی، مفهوم اصلاحات فقط حول محور مسائل سیاسی متمرکز است و اصلاحات وقتی به نتیجه واقعی خود می‌رسد که در اصلاحات سیاسی موفقیته بدست آورده باشیم. در حالی که جامعه ما

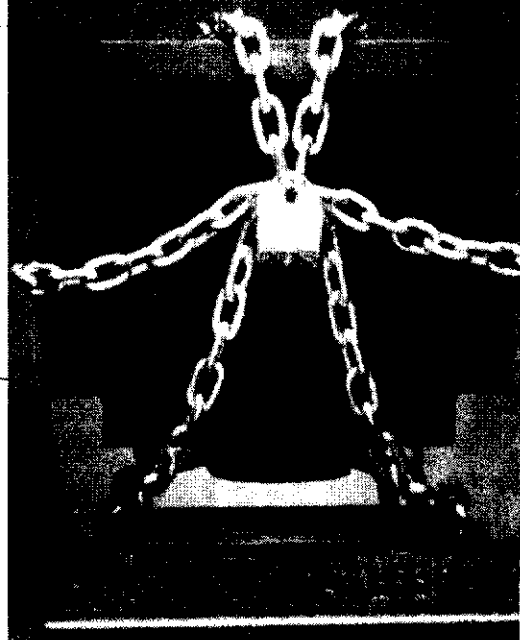
جامعه سیاسی ایران همیشه از حرکات و اقدامات افراطی (Ultraisme) و به دور از تعقل در رنج و عذاب بوده است و هیچ‌گاه روشی مبتنی بر منطق‌گرایی (Logiculism) و خردگرایی (Rationalism) در پیش نگرفته است و همیشه خودستیزی توأم با احساسات و تعصب (Fanaticism)، جزئی از اعمال سیاست‌پیشگان ما بوده که منجر به نتایج اسفباری برای ملت ایران شده است. سیاستی که مطبوعات در یک جامعه مدعی مدنیت و در حال توسعه باید در پیش گیرند، سیاستی مبتنی بر نقد بی‌طرفانه و اصلاح‌گرایانه است که مطبوعات تبدیل به تریبونی شود که تمامی گروه‌ها و جناح‌های درگیر در مسائل سیاسی و اجتماعی از آن به ارائه نظرات و عقاید خود پردازند. که ادامه چنین روندی منجر به نتایجی می‌شود که شاید در کوتاه مدت برای کسانی که دایره تفکرات آنها محدود به جناح‌بندی‌های مرسوم امروزه است مشهود نباشد، ولی در بلندمدت نتایج چشمگیری از آن منتج می‌گردد.

در پروسه تاریخ سیاسی ایران همواره دیدگاهی مطلق‌گرایانه (Absolutism) مطرح بوده است و شخصیت‌ها و گروه‌ها و رویدادهای سیاسی با دیدگاهی سیاه و سفید مشخص می‌شوند. با نگاهی اجمالی به سیر تاریخ سیاسی معاصر در می‌یابیم که اشخاص و گروه‌های سیاسی و اجتماعی در برهه‌ای از زمان به مهره‌هایی سیاه در عرصه شطرنج سیاسی ایران تبدیل شده و در مقطعی دیگر جزء مهره‌گان سفید محسوب می‌شوند و همچنین در برخی رویدادهای تاریخ سیاسی ایران، دوگانگی (dualism) در قضاوت همیشه گریبانگیر مورخان و تاریخ‌پژوهان بوده است که تبعات آن در زمان حاضر و در مشی و سیاست مطبوعات فعلی به یادگار مانده است. نویسندگان و سیاست‌گذاران مطبوعات فعلی ایران باید از برداشت‌های سطحی و مطلق‌گرایانه از شخصیت‌ها و رویدادهای سیاسی که لایق جامعه‌ای استبدادزده است دست بردارند. و زیننده جامعه مدنی نیست که به جای نقد افعال و افکار شخصیت‌ها، به سرکوب و تخطئه اندیشه‌ها پردازند.

به تازگی در پروسه تحولات جاری کشور، معیارهای خودساخته‌ای در عرصه سیاست و مطبوعات مطرح شده است که براساس آن قالب‌ها، در رابطه با اصلاح طلب بودن یا نبودن شخص یا مطبوعه‌ای اظهار نظر می‌شود،

دولت، صرف بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم شد، بدون توجه به ساختارهای سیاسی و فرهنگی و نیازهای موجود در جامعه، اقدامات انجام گرفته در این حوزه نیز اثرات سوء اجتماعی در برداشت که نهایتاً به افزایش فاصله طبقاتی و رفاه‌زدگی (welfareism) و مصرف‌گرایی (Consumerism) و ... منجر گردید که معلول عدم همسویی اصلاحات در تمام زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بود. در دولت اصلاحات نیز به علت یک‌جانبه‌نگری و توجه به مقوله اصلاحات سیاسی، مؤلفه‌های دیگر اصلاحات کنار گذاشته یا کمتر بدان پرداخته شد که همین امر سبب شد تا کل جریان سیاسی، اجتماعی به سوی نوعی رادیکالیسم کشیده شود و با بسط و گسترش ژورنالیسم سیاسی که سبب افزایش مطالبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در قشر عظیم جوان و تحصیل‌کرده گردید، توجه به مقوله اقتصاد سبب شد تا مشکلاتی در حوزه معیشتی مردم پدید آورد و باعث رو در روی خیل عظیم جوانان و به‌خصوص تحصیل‌کردگان دانشگاهی با مشکلی به نام بیکاری شد.

حال باید بدون توجه به تضادها و اختلافات درون و برون جناحی و گرایش هر چه بیشتر به سوی وحدت‌گروه‌ها، همدلی و وفاق در حوزه‌های مربوطه، به جای تخریب، به ساختن و به جای حرکت در سطح به تعمیق روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پردازیم که این راه، تنها مسیر توسعه همه‌جانبه می‌باشد.



نیاز شدیدی به اصلاحات در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد و تمرکز صرف بر روی هر یک از این محورها، محورهای دیگر را دچار خلل می‌نماید و نتیجتاً فرایند اصلاحات دچار انسداد می‌گردد، به عنوان نمونه می‌توان از اقدامات اقتصادی دولت سازندگی نام برد که چون تمام امکانات

## انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

تلفن دفتر فروش :

۸۷۲۳۹۳۶

۸۷۱۶۳۹۱

مفتشر کرد

